

دوفصلنامه مطالعات شبه قاره دانشگاه سیستان و بلوچستان
سال دهم، شماره ۳۵، پاییز و زمستان ۱۳۹۷ (صص ۱۵۸-۱۳۹)

ستی، شکلی از مرگ‌های آیینی متوالی

۱- سوسن فیضی گیلانده ۲- محمد رضا روزبه ۳- علی حیدری

چکیده

بررسی آیین‌های مشترک بین مردم سرزمین‌های گوناگون و یافتن ریشه‌های آن‌ها، ما را به وجود اشتراکاتی در فرهنگ ملل مختلف راهنمایی می‌کند. خودسوزی زن بیوه در مراسم سوزانده شدن جسد همسرش و همراهی با او، تحت عنوان آیین «ستی» انجام می‌شده است. ستی و شکل‌های مختلف آن بین هندوان با قدمت ۱۰۰۰ تا ۵۰۰ سال پیش از میلاد رواج داشته است. این آیین در مرگ‌های متوالی و شکل جبری آن در گورخانه‌های بسیاری، چهره غیرانسانی خود را نشان داده و در شکل ظاهرا خودخواسته نماد عشق، وفاداری و عفت و پاکی در منظومه‌های عاشقانه‌ای با عنوان «ستی‌نامه» یا با عنوان‌های دیگر در هند و ایران به تصویر کشیده شده است. این مقاله با هدف پرتوافکنی بر زوایای ناشناخته آیین ستی و به روش توصیفی-تحلیلی تنظیم شده است. این پژوهش با توجه به اسناد موجود و مطالعات باستان‌شناسان در مناطق مختلف به وجود تشابه‌هایی در انجام و چگونگی آن در هند با آنچه در بین مردم مصر، چین، روسیه، روم و تاتار بوده، دست یافته و نشان داده است پیش از آنکه «ستی» امری خودخواسته باشد، امری جبری بوده و ابتدا در خاندان‌های سلطنتی و پادشاهی، بنا به دلایل خاصی صورت می‌گرفته است.

کلید واژه‌ها: ستی، آتش آزمون، آیین، گورخانه‌ها، مرگ‌های متوالی

۱- مقدمه

هند به دلیل داشتن تنوع نژاد، دین، زبان و آیین‌های کهن خاستگاه بسیاری از رسوم به شمار می‌رود.

۱- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه لرستان Email: susanaram84@lu.ac.ir

۲- دانشیار زبان و ادبیات دانشگاه لرستان Email: rayan.roozbeh@yahoo.com

۳- دانشیار زبان و ادبیات دانشگاه لرستان Email: aheidari1348@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۷/۶/۲۸

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۲/۱۲

از جمله این آیین‌های کهن برهمنی هند «ستی» است. صاحب فرهنگ «بهار عجم» در توضیح این واژه می‌نویسد: «ستی زن عفیفه که غیر از شوهر خود دیگری را به نظر شهوت نبیند و در هندوستان، زنی را گویند که همراه شوهر مرده، خویشتن را بسوزاند از غایت محبتی که به او دارد.» این آیین که در اجتماعات ابتدایی دهکده‌های کشاورزی منطقه حاره‌ای استوا وجود داشته‌است، از سودان به سوی شرق تا اندونزی و اقیانوس آرام کشیده شده‌است و در خاور نزدیک در رسم هولناک شاه کشی آیینی و ادواری خود را نشان داده و به مصر، افریقا، هند و حتی اروپا و چین نیز راه یافته است. به همین خاطر به‌درستی نمی‌توان در مورد مکان و زمان دقیق شکل‌گیری این آیین اظهار نظر کرد. خودسوزی زن بیوه در مراسم سوزانده شدن جسد همسر و همراهی او، تحت عنوان آیین «ستی» در هند انجام می‌شده‌است. در مناطق دیگر هم همسران و متعلقات دیگر شاه از جمله سربازان، خدمتکاران و اسبان او نیز همراه با جسد در گور دفن می‌شدند که می‌تواند شکل دیگری از این آیین باشد. در میان عرب پیش از اسلام نیز به سبب بدبختی و رنج و فلاکت زیاد در مواقعی دختران را پس از تولد زنده دفن می‌کردند. (Mihaela and workmate, 2014:797) اگرچه انجام چنین اعمال خشونت‌آمیز نسبت به زنان بیوه و دختران با شکل «ستی» در حالت خودخواسته متفاوت است، اما در همه‌ی این موارد فرد در حالی که زنده است، به کام مرگ سپرده شده و به نظر می‌رسد این رفتارها ریشه در باورهای کهن مشترکی دارد که در میان اقوام گوناگون وجود داشته و اغلب در مورد زنان اجرا شده‌است. با توجه به این نکته‌ی اساسی که بسیاری از رسوم باستانی ریشه در افسانه‌ها و اسطوره‌های ملت‌ها دارند و در گذر دوران شکل آن‌ها تغییر یافته و چیزهایی به آن‌ها اضافه و یا از آن‌ها کم شده‌است؛ بررسی‌های دقیق، می‌تواند ما را به خاستگاه مشترکی برساند. این آیین جدای از ریشه اسطوره‌ای آن، بیانگر نوعی نگاه زن ستیزانه و مرد سالارانه در آیین هندو و ناشی از خوارداشتن زن و قایل نبودن به موجودیت اجتماعی اوست. آیین «ستی» از سنت‌های برهمنی کهن‌تر است هر چند آن را به سنت‌های برهمنی نسبت داده‌اند و تا سال ۱۸۲۹ که سرکوب شد، بردوام بوده‌است. عده‌ای از محققان ریشه‌ی «ستی» را در اسطوره مربوط به شیوا از خدایان هند می‌دانند که ساتی، دختر دکشه و همسر شیوا، خود را به آتش قربانی می‌اندازد. دکشه مراسم قربانی بزرگی بر پا می‌سازد و از دعوت داماد خویش در این مراسم سر باز می‌زند. ساتی با دیدن خدایانی که به محفل پدر او می‌شناختند تا در مراسم قربانی شرکت کنند، از نیت پدر آگاه می‌شود و با رفتن نزد پدر از او می‌خواهد شیوا را به مجلس قربانی دعوت کند. دکشه با

برشمردن خطاها و بی حرمتی های شیوا در محفل پیشین، از دعوت شیوا به مراسم خودداری می کند و ساتی خود را به آتش قربانی می افکند و خاکستر می شود. شیوا با آگاه شدن از این ماجرا به مراسم قربانی می شتابد و غرش کنان با گروهی از دیوان که در موی او لانه داشتند، مجلس قربانی را آشفته و خدایان را پراکنده و سر دکشه را از تن جدا می کند. سپس شیوا در مرگ ساتی به سوگی دیوانه وار می نشیند و با گردآوری خاکستر و تکه های بازمانده ی تن ساتی آن ها به آغوش می کشد و از ساتی می خواهد که با او سخن بگوید. (ایونس، ۱۳۷۳: ۷۶-۷۷) در اسطوره های رومی نیز زنده به گور کردن و مجازات زنان بی شباهت به نگاه زن ستیزانه در آیین هندو نیست. گاردنر (Gardner) در کتاب اسطوره های رومی به اهمیت پاکدامنی در بین زنان رومی اشاره می کند. پاک بودن باکره های مقدس و ستال یا نگهداران قلب مقدس وستا اهمیت بسیار زیادی داشته است. پاک بودن آن ها هم نماد و هم تضمین کننده ی رفاه رم بود. زنده به گور کردن در یک حفره ی زیر زمینی مجازاتی بود که در دوران جمهوری (و معمولا در دوره های بحران ملی) چندین بار در مورد باکره هایی که مرتکب بی عفتی شده بودند اعمال می شد. بعضی افراد خوشبخت تر بودند و خدایان به طرز معجزه آسا بی گناهی آن ها را تأیید می کردند. (گاردنر، ۱۳۸۸: ۷۵-۷۷) در منظومه های عاشقانه ای که شاعران فارسی زبان هند در قرن دوازده هجری سروده اند و به «ستی نامه ها» معروف هستند، مضمون اصلی، اجرای آیین «ستی» است. بعضی از سرایندگان این منظومه ها خود شاهد اجرای این رسم بوده اند. آندرام مخلص که در ۱۱۵۸ هجری با محمد شاه، خان مغول به گرمکثیر عزیمت نموده ستی شدن زن جوانی را که شاهد غرق شدن همسرش در دریا بوده در سفرنامه خود ثبت کرده است. او بعدها در اثر مثنوی خود «هنگامه عشق» همین مضمون را می آورد. (عابدی، ۱۳۴۸: ۲۹) نوعی خوبشانی یکی دیگر از این سرایندگان است که به دستور شاهزاده دانیال پسر جلال الدین اکبر بر اساس یک حادثه واقعی منظومه عاشقانه «سوز و گداز» را سروده است. در این آثار «ستی» نشان وفاداری، پاکدامنی و عشق است. بازتاب این آیین در ادبیات فارسی در آثار منظوم و مثنوی در دوره های مختلف با اشاره ی مستقیم و نیز در سنت ادبی سوختن شمع و پروانه نشان از آگاهی ایرانیان و نگاه مثبت شان به آن در شکل خودخواسته دارد. بررسی ریشه ی این آیین که مضمون مشترک و پر سوز و گداز این عاشقانه ها و بخشی از ادبیات غنایی زبان فارسی است، بازنمای اجتماع، باورها، عقاید و اعتقادات هندوهاست. این مضمون که نزدیک دو قرن در آثار بسیاری تکرار شده و مقبولیت داشته، نشان می دهد که در آن ها تنها به جنبه ی خودخواسته این آیین که نماد عشق و وفاداری است، توجه

شده و چهره خشن و ضد انسانی آن در مورد زنان بیوه و فشارهای روحی و روانی اجتماعی حاکم بر جامعه سنتی نادیده گرفته شده است. شباهت‌ها و تفاوت‌هایی را در شکل‌ها و دلایل اجرای این آیین در حالت ناخواسته و جبری آن و اسناد تاریخی مرگ‌های متوالی و گورخانه‌های یافته شده در مناطق گوناگون می‌توان دید و ریشه‌های مشترک اعتقادی را بین آن‌ها یافت.

۱-۱- بیان مساله و سوالات تحقیق

بررسی آیین‌ها و چگونگی اجرای آن‌ها در میان مردم مناطق مختلف در دوره‌های گوناگون می‌تواند ما را به ریشه‌های مشترکی از آن‌ها برساند، به گونه‌ای که با وجود شکل‌های متفاوت ظاهری در آن‌ها می‌توان با استناد به مطالعات باستان‌شناسان در مناطق مختلف به وجود تشابه‌هایی پی برد. در این پژوهش سوالات زیر مطرح است:

- جایگاه آیین «ستی» در آیین‌ها و باورهای ملل مختلف و تشابهات و تفاوت‌هایشان چگونه است؟

- آیا بین مرگ‌های متوالی و آیین «ستی» از نظر دلایل شکل‌گیری و ریشه‌های اعتقادی ارتباطی وجود داشته است؟

۱-۲- اهداف و ضرورت تحقیق

سه منبع دانشنامه زبان و ادب فارسی، داستان‌سرایی در شبه‌قاره و داستان‌های عشقی در پاکستان بیست و سه سستی‌نامه را معرفی کرده‌اند که علاوه بر جنبه‌ی تقلیدی آثار از هم، توجه و تأیید این آیین به نشان وفاداری و پاکدامنی و عشق یکی از دلایل شکل‌گیری این تعداد منظومه با یک مضمون در طول دو قرن می‌تواند باشد. بررسی این بخش از ادبیات غنایی زبان فارسی که بازنمای اجتماع، باورها، عقاید و اعتقادات هندوهاست نشان می‌دهد که در این سستی‌نامه‌ها تنها به جنبه‌ی خودخواسته این آیین که نماد عشق و وفاداری است، توجه گردیده، چهره خشن و ضد انسانی و ناخواسته و اجباری آن نادیده گرفته شده است. بررسی و یافتن ریشه‌ی مشترک شکل‌های مختلف اجرای یک آیین در مناطق گوناگون نشان می‌دهد که بخشی از باورها و اعتقادات یکسان بوده است. در پژوهش‌های انجام شده در این زمینه به ارتباط این آیین با مرگ‌های متوالی و شکل‌های گوناگون آن در بین اقوام مختلف و شکل جبری آن و دلایل انجام آن اشاره‌ای نشده است. در

این مقاله سعی بر آن است تا با یافتن این آیین و یا شکل‌های دیگری از آن در بین جوامع مختلف و توجه به اسطوره‌های مربوط با آن، نشان داده شود، این رسم مختص هندوان نبوده و فقط در مورد زنان بیوه به اجرا در نمی‌آمده، بلکه در بین خاندان‌های سلطنتی، فرمانروایان، سرداران و بزرگان قوم پس از مرگ شاهان و بزرگان آن‌ها در مورد همسران، خدمتکاران، سربازان و اسبان آن‌ها نیز به شکل مرگ‌های متوالی مرسوم بوده‌است و جز در موارد اندک که خودخواسته و به دلایل احساسی و وفاداری و از سر عشق شکل گرفته، مرگی تحمیلی در شکل جمعی یا فردی به صورت سوزاندن، به دار آویختن و در بیش‌تر موارد دفن کردن بوده‌است و برخلاف منظومه‌های عاشقانه که این رسم را به صورت امری خوشایند و قابل پذیرش و تحسین‌برانگیز نشان داده‌اند، امری خشونت‌آمیز، جبری و غیر انسانی در مورد انسان‌ها، به‌خصوص زنان بوده که بیش‌ترین قربانیان مرگ‌های متوالی محسوب می‌شوند.

۳-۱- روش تفصیلی تحقیق

این تحقیق به روش توصیفی- تحلیلی تنظیم شده‌است. پس از گردآوری منابع و استخراج نمونه‌هایی از مستندات تاریخی انجام آیین «ستی» در هند و خودسوزی‌های خودخواسته و سوزاندن و تدفین ناخواسته و اجباری زندگان همراه با فرد فوت شده و یافتن اشتراکاتی در میان آنها و مرگ‌های متوالی، به تحلیل پرداخته‌است.

۴-۱- پیشینه تحقیق

سه منبع دانشنامه زبان و ادب فارسی، داستان‌سرایی در شبه‌قاره و داستان‌های عشقی در پاکستان بیست و سه ستی‌نامه را معرفی می‌کنند که همه مضمونی عاشقانه دارند و سرنوشت قهرمان یا قهرمانان در آن‌ها به اجرای آیین «ستی» ختم می‌شود ابن بطوطه (۱۳۴۸: ۴۷۵-۴۷۲ جلد دوم)، طسوجی (۱۳۸۶: جلد سوم و چهارم، ۱۲۸-۱۲۹)، خالقدار هاشمی عباسی (۱۳۶۳: ۲۸۷)، ویل دورانت (۲۸۴-۲۸۱ جلد یک)، ناصر خسرو (۱۳۸۹: ۲۵۴ نقل از سجادی)، مستملی بخاری (۱۳۶۶: ۱۴۹۴)، شوشتری (۱۳۶۳: ۳۸۰)، شاملو (۱۳۷۱: ۳۷۲-۳۷۴) و بازرگانان و دریانوردانی چون

سیرافی و رامهریزی در یادداشت‌ها و سفرنامه‌های خود به آیین ستی در هند اشاره کرده‌اند. تحقیقاتی در قالب پایان‌نامه و مقاله نیز در زمینه‌ی ستی‌نامه‌ها به صورت موردی انجام شده‌است. یعقوبی (۱۳۹۳) در پایان‌نامه دکتری "تصحیح انتقادی آثار داستانی آندرام مخلص هنگامه عشق- کارنامه عشق همراه با تحقیق در احوال و سبک" نسخه خطی یک ستی‌نامه مثنوی را تصحیح انتقادی و نویسنده آن را معرفی کرده‌است. بابا صفری و سالمیان (۱۳۸۷: ۴۹-۷۴) در مقاله "ستی و بازتاب آن در ادب فارسی" پس از معرفی این آیین، بیان چگونگی و دلایل شکل‌گیری آن، به معرفی اجمالی ستی‌نامه‌ها پرداخته‌اند. مشهور (۱۳۸۹: ۱۶۵-۱۷۸) در مقاله "عشقنامه امیر حسن دهلوی" بعد از معرفی و تحلیل داستان به بررسی مباحث بیان و بدیع در این مثنوی پرداخته‌است. طلائئی و طغیان‌ی (۱۳۹۴: ۴۱-۵۹) در مقاله "بررسی ساختار روایی منظومه سوز و گداز نوعی خبوشانی با تکیه بر نظریه ژپ لیت ولت" این ستی‌نامه را از نظر ساختار روایی بر اساس نظر یکی از نظریه پردازان روایت شناسی بررسی کرده‌اند. در ستی‌نامه‌ها ستی به عنوان امری مطلوب و خودخواسته و به نشان عشق و وفاداری نشان داده شده‌است در آثار دیگر نیز گزارش‌هایی مستند از اجرای این آیین آمده‌است و به وجود شباهت‌ها یا تفاوت‌های ستی و مرگ‌های متوالی و دلایل شکل‌گیری آن‌ها پرداخته نشده‌است. در این پژوهش با بیان نمونه‌هایی از مرگ‌های خودخواسته در مناطق دیگر غیر از هند به بررسی مرگ‌های آیینی متوالی پرداخته و نشان داده شده‌است که ستی در حالت ناخواسته و جبری، شکلی از این نوع مرگ‌هاست که در مناطق مختلف با اندک تفاوت‌هایی وجود داشته‌است و از باورها و اعتقادات مشابهی سرچشمه گرفته‌است، البته باید توجه داشت که در اغلب موارد این نوع با آنچه در منظومه‌های عاشقانه مطرح و قابل ستایش است، متفاوت می‌باشد.

۲- مبانی نظری بحث

۲-۱- ستی در لغت

در فرهنگ بهار عجم ذیل این واژه آمده‌است: ستی زن عقیفه که غیر از شوهر خود دیگری را به نظر شهوت نبیند و در هندوستان، زنی را گویند که همراه شوهر مرده، خویشان را بسوزاند از غایت محبتی که به او دارد و آن را مستمر حسنات اعتقاد دارند. «ستی» واژه‌ای است سانسکریت

به معنی عفیف و پاکدامن و در اصطلاح به معنی زنی است که طی آداب خاصی خود را در فراق همسر در گذشته اش می سوزاند و به معنی خود این مراسم هم به کار رفته است. (باباصفیری، ۱۳۸۷: ۴۹). کمپیل می گوید: «به گمان من مفهوم کامل اصطلاح هندی ستی می تواند گونه ای از ماهیت و ویژگی ذهن و قلبی را عیان کند که مطلقاً به همین شیوه با نقش خود یکی شده است.» (کمپیل، ۱۳۸۹: ۷۳-۷۴) در فرهنگ سنسکریت- فارسی ستی چنین تعریف شده: قسمی بنای یادبود مراسم تدفین یا جنازه میت؛ مربوط به توده کردن و انباشتن هیزم برای سوزاندن جسد در مراسم مخصوص به آن، درخت مقدس (به ویژه درخت انجیر هندی)، معبد یا جای پرستش (به ویژه دیر بودایی ها و جین ها)، محراب یا جایگاه مقدس نزدیک دیر. (جلالی نائینی، ۱۳۸۲: جلد دوم) واژه «ستی» در زبان فارسی در معنای بانو به کار رفته اما اینکه این واژه از هند وارد شده یا نه، نظر قطعی نمی توان داد. در شعر منوچهری نام نوازنده و ندیم خاص سلطان محمود غزنوی است:

یکی چون معبد مطرب، دوم چون زلزله رازی / سیم چون ستی زرین، چهارم چون علی مکی
(فرزاد، ۱۳۷۶: ۸۷)

باستانی پاریزی در هفت خاتون قلعه از زیارتگاهی به نام اسعدان که «ستی پیر» نامیده می شود یاد کرده که در شش کیلومتری یزد واقع شده و بنا به گفته او مادر یزدگرد هم ستی نام داشته است. (باستانی پاریزی ۱۳۴۴: ۲۴۳)

۲-۲- ستی در هند

قربانی کردن یا سوزاندن زن در داخل گودال انجام می گرفت و در برخی نقاط جنوب هند رسم بود که زن را زنده زنده دفن کنند. برهمن ها در آغاز با آن مخالفت کردند ولی بعد پذیرفتند و بالاخره با این تعبیر که آن رسم با زناشویی جاوید پیوند دارد، تقدس مذهبی بدان دادند. زنی که یکبار ازدواج می کرد تا ابد مال او باقی می ماند و در جهان بعدی به او ملحق می شد. به همین جهت آیین برهمنی زن بیوه را ملزم می ساخت که همچنان بیوه بماند و سرش را بتراشد. (نصیری طیبی، ۱۳۸۴: ۵۵) سوزاندن، زنده به گور کردن، در انزوا قرار دادن و دیگر رسوم غیر انسانی در مورد زن در بین اقوام مختلف به اصلی مشترک بر می گردد که در مجموع، نشانه ی قایل نبودن به موجودیت مستقل برای زن بوده است. نخستین جایی که در آن به «ستی» یا خودسوزی بیوه در هند اشاره شده است «ویشنودر مه سوتره» Vishnu Dharma Sutra است. در ادبیات سنسکریت کلاسیک مانند کوماراسان

بابا، براهسیتی و مهابهاراتا نیز بدان اشاره رفته‌است. ابن بطوطه در امجری یکی از شهرهای هند شاهد آن بوده و در کتابش می‌نویسد: «این امر در مذهب هندوان واجب نیست اما از مستحبات به شمار می‌آید و عملی است که مایه افتخار خاندان زن می‌شود و دلیل وفاداری زن نسبت به شوهر خود می‌باشد.» (ابن بطوطه، ۱۳۴۸: ۴۷۵-۴۷۲ جلد دوم) طسوجی (۱۳۸۶: جلد سوم و چهارم، ۱۲۸-۱۲۹)، ویل دورانت (تاریخ تمدن جلد یک ۲۸۴-۲۸۱)، ناصر خسرو (زادالمسافرین ۱۳۸۹: ۲۵۴ نقل از سجادی) و مستملی بخاری (شرح التعرف لمذهب التصوف، ۱۳۶۶: جلد چهارم، ۱۴۹۴) نیز به آن اشاره کرده‌اند. دیواره نگاره‌ای نیز از ستی شدن بانوی جوان هندی با سبک نقاشی دو رگه هند و ایرانی در کاخ چهلستون اصفهان در دوره صفویه وجود دارد. (جوانی، ۱۳۹۱: ۱) علاوه بر آیین «ستی»، در هند قربانی انسان در رودخانه گنگ نیز مرگی آیینی بوده‌است.

۲-۳- عوامل مؤثر اجتماعی و اعتقادی در انجام ستی در هند

وضع زنان در اجتماع هندو صورت خاصی دارد. به موجب قوانین هندوئیسم برای زن در برابر مرد هیچ گونه شخصیت و آزادی قایل نیستند. قانون مذهبی قدیم هندو منسوب به مانو، زن را از گهواره تا مرگ تابع چشم بسته پدر یا شوهر قرار می‌دهد. زن هنگام راه رفتن باید در فاصله معینی در عقب شوی خود راه برود حتی در زمان پیری نیز زن بیوه باید مطیع پسر خود باشد. زن جوان بعد از مرگ شوهر هر قدر هم جوان باشد حق اختیار شوهر ندارد. زن به تنهایی از مجالست با مردان ممنوع است. نسبت به زن بیوه انواع توهین و تحقیر و شکنجه را روا می‌دارند؛ زیرا معتقدند که آن زن در اعصار گذشته خود قبل از این حیات، مرتکب گناهان عظیم شده‌است که خدا او را بدین پاداش مبتلا کرده‌است. سر او را می‌تراشند و او را به سختی کتک می‌زنند و به او از آن پس اجازه پوشیدن لباس خوب و زیورآلات نمی‌دهند. حتی او را از غذای گوارا نیز منع می‌کنند. او باید فقط لباس سیاه یا سفید بپوشد. حضور او در مجالس عروسی شوم و بدفال تلقی می‌شود. (حکمت، ۱۳۲۷: ۲۲۵-۲۲۶) نیرویی که اکثریت هندی را متحد می‌کند، ساختاری اجتماعی است که عمیقا در باورهای دینی و اصول مشترک قومی ریشه دارد. این باورها در مجموعه غنی اسطوره‌هایی بازتاب می‌یابند که ستون فقرات دین و فرهنگ هندی را تشکیل می‌دهند. (دالا پیکولا، ۱۳۸۵: ۹)

قبل از اعلام ممنوعیت ستی در هند، زنهایی که پس از فوت همسر خود را نمی‌سوزاندند و پس از مرگ او زنده می‌ماندند زندگیشان بدتر از مرگ بود. بیشتر آنان کنار رودخانه و مخصوصاً کنار رود گنگ آلونکی می‌ساختند و از غذاهای نذری که مردم به آنها می‌دادند تغذیه می‌کردند. (جعفری، ۴۸) اعتقاد به تناسخ در آیین هندو یکی دیگر از دلایل انجام ستی در هند است. هندوهای متعصب معتقدند که زنان در کالبد زن نمی‌توانند رستگاری یابند، بلکه تنها از راه تناسخ و باززاده شدن به هیأت مرد این عمل میسر است. (ورنر، ۱۳۸۶: ۳۴)

۴-۲- چگونگی انجام ستی در هند

شاملودر قصص خاقانی در ذکر وفات مطروداس راجیوت و اغراق جفت او به این رسم اشاره کرده است. او این مراسم را از آراستگی زن و همراهی او و اقبایش با نعش شوی و رو به جانب آتشگاه گذاشتن تا قراردادن هیزم بسیار بر بالای زنده و مرده و آتش زدن آن از چهار طرف و سوختن آندو را به طور مفصل در نوشته خود آورده است. (شاملو، ۱۳۷۱: ۳۷۲) کمپبل نیز در کتاب خود گزارشی مستند از یک کاپیتان انگلیسی در هند را که ناظر اجرای این آیین بوده، آورده است. (کمپبل ۱۳۸۳: ۷۳-۷۷) جین باتیست تاورنیه (Jean baptiste Tavernier) اجرای این آیین را مستلزم اجازه از حاکم محل بیان کرده و می‌نویسد: «مصمم بودن زن به خودسوزی به نفع برهنه‌ها بود؛ زیرا تمام زیورآلات از آن برهنه‌ها می‌شد که آن‌ها را در خاکسترها جستجو می‌کردند.» (کاپاتیست تاورنیه، ۱۳۸۸: ۳۱)

۵-۲- اعلام ممنوعیت ستی در هند

براهمو ساماچ (Brahma Samaj) یکی از سازمان‌های مهم اصلاحی نوین در هند در سده نوزده است. این سازمان که مؤسس آن «راجه رام موهن روی» از روشنفکران و اصلاح طلبان بزرگ هندی بوده، در سال ۱۸۳۰ میلادی به وجود آمد. هنگامی که رام موهن روی ایام جوانی را می‌گذرانید، برادرش درگذشت و در وقت سوزانیدن جسد او بر طبق سنت هندو، دید که زن برادرش را با کمال بی‌میلی با جسد شوهر سوزاندند. مشاهده این جنایت و سنت نادرست، او را به فکر انجام اصلاحاتی در مذهب هندو انداخت و در نتیجه‌ی تلاش او و دیگر روشنفکران هند لغو «ستی» از طرف بنتینک (Bentinek فرمانروای انگلیسی) در سال ۱۸۲۹ میلادی اعلام شد. (داراشکوه، ۲۵۳۶: ۴۸-۴۹)

۳- بحث اصلی

۳-۱- شکل‌هایی از ستی و دلایل انجام آن در میان اقوام مختلف

در جوامع مختلف اعمال خشونت‌آمیز به سبب قایل نبودن به موجودیت مستقل زن در دوره‌های پیشین دیده می‌شود. در میان قوم اسلاو و بالتیک پروس‌ها (سوئد) نیز به دار آویخته شدن پس از مرگ همسر، دفن اسب و انسان و اسلحه و وسایل گرانبها همراه مرده مرسوم بوده‌است. این نوع از خشونت‌ها در اجرای آیین ستی به شکل ناخواسته نیز خود را به صورت انداختن زن در آتشی که جسد همسرش را می‌سوزاند، دیده می‌شود که دلیل اصلی آن همانند موارد ذکرشده جایگاه پست و غیر مستقل زن در جامعه بوده‌است.

۳-۲- تقدس آتش در هند و ایران باستان و نقش آن در آیین ستی

زبان‌های سانسکریت و اوستا از یک منشا اصلی منشعب شده‌اند. «اوستا» و «ودا» کتاب‌های دینی ایرانیان و هندیان در بسیاری از جنبه‌ها از جمله زبان و مطالب شباهت‌هایی دارند، به طوری که می‌توان به وسیله زبان اوستا بسیاری از واژه‌های ودا را شناخت و ریشه‌ی آن‌ها را مشخص کرد. اهمیت آتش و انواع آن از جمله موضوعاتی است که در هر دو کتاب ذکر شده‌است. آتش یکی از قدیم‌ترین عناصر مورد پرستش و مقدس‌ترین عنصر در مذهب هند و ایرانی قدیم به شمار می‌رفته و دارای سه مظهر بوده‌است. این عنصر در متون اوستا کانون مناسک و نیایش‌ها بوده و در مراسم قربانی نقش مهمی داشته‌است. بر اساس باورهای هندوویی، زندگی فرد هر چه که باشد تا آن فرد در نزدیکی رود مقدس به ویژه گنگ نمیرد یا در نزدیکی آن رود جسد وی سوزانده نشود و تا بخشی از خاکستر جسد وی به آن رود یا شعبه‌ای از آن ریخته نشود، روح آن فرد متوفی همواره در عذاب خواهد بود.» (لطیفی، ۱۳۹۳: ۸۸) به نظر می‌رسد که رسم مرده‌سوزی در دورانی که اقوام هند و ایرانی زندگی مشترک داشتند، وجود داشته‌است. در دوران ساسانیان به گواهی رساله یوشت زون جسد «هوپریه» که گرایش جدی به دین زرتشت داشت از سر تکریم به دستور موبد بزرگ سوزانده می‌شود. (معقولی و طاووسی، ۱۳۹۲: ۱۵۹) بعدها مغان برای برانداختن این رسم کهن در ایران تحریم‌های سختی همراه با مجازات‌های سنگین برقرار ساختند. سوزاندن جسد و به دنبال آن اجرای آیین خودسوزی به نشان وفاداری و عشق، اهمیت و تقدس عنصر آتش را در نزد هندیان نشان می‌دهد. تقدس آتش از طرفی و از طرف دیگر توجه به خاصیت پاک‌کنندگی آن و

در مورد مردگان پاک کردن گناهان ریشه در اعتقادات مذهبی آن‌ها دارد. تقدس این عنصر در ایران و هند به حدی بود که با گذر از آتش آزمون برائت و محکومیت را تعیین می‌کرده‌اند. نمادی‌ترین آتش در ایران آتشی است که برای اثبات بی‌گناهی یا گناهکاری سیاوش برافروخته می‌شود. آن گونه که زرتشت نیز برای نشان دادن حقانیت و راستی پیام خویش از آن گذر کرد. (واحددوست، ۱۳۸۴: ۱۸۶) کرتیس عبور سیاوش با لباس سفید و اسب سیاه را از آتش یک سنت ماقبل زرتشتی برای اثبات بیگناهی می‌داند. (کرتیس، ۱۳۸۵: ۱۶۳) در داستان رامایان نیز که یکی از دو حماسه بزرگ هند است، پس از آنکه «ویبھی شن» به پادشاهی لنکا می‌رسد و «سیتا» آزاد می‌شود و باز می‌گردد و برای اثبات پاکدامنی خود به آتش آزمون وارد می‌شود. (قزوینی، ۱۳۸۰: دفتر سوم ۴۰۱) در «ستی‌نامه‌ها» نیز قهرمان یا قهرمانان داستان همراه با هم یا در سوگ مرگ همدیگر خود را در آتش می‌افکنند. این عنصر مهم‌ترین نقش را در اجرای این آیین داشته‌است.

۳-۳- مرگ خودخواسته یا نوعی ستی شدن، رسمی کهن بین اقوام مختلف و تأثیر عوامل

اجتماعی در وقوع آن

سیلویوس ایتالیکوس در مورد سلطه‌های اسپانیایی می‌گوید: «آن‌ها ملتی هستند که از دادن خون مضایقه ندارند و شیفته‌ی مواجهه با مرگ‌اند.» به محض اینکه انسان سلتی دوران قدرت و پیشرفت را پشت سر می‌گذارد، گذشت زمان را با بی‌صبری تحمل می‌کند و فرا رسیدن سن سالمندی را به تمسخر می‌گیرد. پایان زندگی در دست خود اوست. این ستایش از خودکشی ممکن است در کتاب مقدس و ودا وجود نداشته‌باشد، اما مطمئناً این یک رسم بسیار قدیمی است. پلوتارک در باره خودکشی برهمن کالانوس می‌گوید: «او خود را همانطوری که رسم خردمندان این کشور بوده قربانی کرد. آن‌ها خود را زنده زنده می‌سوزانیدند. به اعتقادشان انتظار برای فرا رسیدن مرگ بی‌شرافتی و ننگ هستی است. به همین خاطر برای جسمی که در اثر پیری نابود شود هیچگونه شرافت و افتخاری قایل نیستند. در نگاه آن‌ها آتش ملوث و آلوده خواهد شد، اگر از دم انسان قربانی استنشاق نکرده باشد.» (دورکهایم، ۱۳۷۸: ۲۵۲) تأثیر عوامل اجتماعی بر وقوع خودکشی (مرگ خودخواسته) به اندازه‌ای است که برخی صاحب نظران خودکشی را پدیده‌ای اجتماعی و ناشی از گسینختگی ارتباط‌های فرد با جامعه می‌دانند و در سبب‌شناسی آن عوامل جامعه‌شناختی را موثرتر از عوامل روانشناختی و فردی می‌شناسند. «ستی» در حالت ناخواسته نیز به عنوان شکلی از خودکشی حاصل تأثیر فرد از اجتماع است که به ظاهر در تصمیم‌گیری و اقدام فردی نمود پیدا کرده‌است. با

توجه به رفتارهای خشونت‌آمیزی که در مورد زنان بیوه در اجتماع هند انجام می‌شده، اقدام به خودسوزی پس از مرگ همسر به نوعی نتیجه‌ی آن و پاسخ به فشارهایی بود که بر او تحمیل می‌شد. سستی، تنها در مواردی حاصل تصمیم خودخواسته زن در پذیرش مرگی دردناک بود که نشان وفاداری و عفت و عشق محسوب می‌شد و این شکل خودخواسته است که در عاشقانه‌های هندی به زیبایی به تصویر کشیده شده‌است. معمولاً در شرایط وقوع خودکشی نوع دوستانه (خودخواسته)، فرهنگ یا ارزش‌های اجتماعی خودکشی را با وسعتی قابل توجه تجویز می‌کنند. در میان اسکیموها سالمندان وقتی احساس می‌کنند به صورت باری برای دیگران درآمده‌اند، خودکشی می‌کنند. در جوامع هندو زن‌ها به دنبال مرگ همسر دست به خودکشی (خودسوزی) می‌زنند. گاه خدمتکار یا پیرو رهبری بزرگ، به دنبال مرگ او به خودکشی پناه می‌برد. این نمونه‌ها از انواع خودکشی دوستانه یا مرگ خودخواسته محسوب می‌شوند. این نوع خودکشی‌ها و آزارهای جسمی را در ایران نیز در سوگ ایرج و سوزاندن باغ و اقامتگاه و سرای نشست و گریستن تا خودآزاری‌های جسمانی و در نهایت خودکشی خدمتکاران در سوگ فرود و شیرین پس از مرگ خسرو پرویز - که به تعبیری خودکشی دوستانه است - شاهد هستیم. مدی در کتاب «عشق در ادب فارسی» پس از توضیح در جسمانی بودن عشق در ایران پیش از اسلام که توأم با پاکدامنی بوده اما رنگ عرفانی نداشته، از خودکشی زنی به نام «پانتیا» پس از کشته‌شدن همسرش که فرمانروای شوش بوده از وجود چنین رسمی در ایران پیش از اسلام و در زمان کوروش خبر می‌دهد. سرگذشت، مربوط به عشق طبیعی زنی به نام «پانتیا» و مردی به نام «آبرادات» است که در زمان کوروش روی می‌دهد. «پانتیا» که زن «آبرادات» فرمانروای شوش است طی نبرد شوهرش با کوروش به اسارت در می‌آید. «آرامب»، زندانبان بانوی شوش عاشق وی می‌شود و با پادرمیانی کوروش «پانتیا» را به حال خود رها می‌کند. «آبرادات» از جوانمردی کوروش در حق زنش باخبر می‌شود و به جمع مریدان او می‌پیوندد. در این هنگام کوروش به لیدیه لشکر می‌کشد و «آبرادات» نیز همراه او می‌رود. پس از کشته‌شدن «آبرادات»، «پانتیا» با بریدن گلوی خود بر سر گور او جان می‌دهد تا وفاداری و عشق خود را به شوهر به اثبات برساند (مدی، ۱۳۷۱: ۱۳۴).

۴-۳- مرگ‌های متوالی و سستی بین اقوام گوناگون

فیش تاریخ نگار و استاد دانشکده شهر زوریخ در سوئیس در مورد مرگ‌های متوالی در کتاب خود می‌نویسد: «آن روندی است که به هنگام مرگ یک انسان با برپایی مراسم مذهبی و یا رسمی

یک یا چند تن دیگر را رضایت‌مندان و یا همراه با نارضایتی در پی فرد فوت شده به تعقیب مرگ وامی‌دارد.» (فیش، ۱۳۷۸: ۶۶) اسناد تاریخی اجرای مرگ‌های متوالی را در بین اقوام اروپای شمالی، اسلاوها، بالتیک‌پروس‌ها (سوئد)، سرخ‌پوستان آمریکای شمالی (بدون انجام مراسم رسمی، پاره‌ای از اوقات مادران به هنگام فوت کودکان، خودشان را به نابودی می‌کشاندند؛ زیرا می‌ترسیدند که فرزندشان در جهان دیگر به تنهایی قادر به تغذیه خود نباشند) و اینکاها در آمریکای جنوبی که اغلب به صورت یک مراسم دسته‌جمعی برگزار می‌شد، نشان می‌دهد. بر اساس گزارش‌های «خوزه دوآکوت» تاریخ‌نویس معاصر آن دوره به هنگام مرگ حاکم هوایتاکاپاکس در سال ۱۵۲۷ بیش از هزار تن که در میان آنان تعداد بسیاری کودک نیز وجود داشت، در پایان برگزاری یک جشن به قتل رسیدند. اینها کسانی بودند که برای همراهی حاکم در آن جهان برگزیده شده بودند. بر اساس گزارشی دیگر از یک پژوهشگر انگلیسی به نام «جان روسک» (John Roscoe) در سال ۱۹۱۱ از افریقا، پس از مرگ حاکم سرآشپز، نگهبان ارشد آتش مقدس، شبان ارشد، ناظر چاه‌های درباری و زنانی که آراستن اتاق‌های خواب و وظایف دیگر را برعهده داشتند، به آن دیار شتافتند. (همان: ۶۷-۶۸) در چین آغازین و در مقبره‌های سلطنتی اور نیز همین پدیده را داریم. همچنین در اروپا هم شواهدی از آن به چشم می‌خورد.

۴-۱-۳- مرگ‌های متوالی و شکل اجباری و ناخواسته ستی در مصر

در اعماق گذشته مصر نیز آیین ترسناک کاملاً بی‌معنی و بسیار ظالمانه «ستی» را مشاهده می‌کنیم. طی سال‌های قرن گذشته مجموعه عظیمی از مقبره‌ها از زیر شن‌های بیرون شهر عرب‌المدفونه در مصر علیا بیرون آورده شد. دو مقبره که قدمتی بیش از مقابر دیگر داشتند متعلق به اواخر دوران پیش از سلسله‌های پادشاهی یعنی حدود ۲۹۰۰ سال (پ.م) بودند. این دو مقبره از مرده‌خانه میراکن پولیس بزرگ‌تر بودند. در مجموع سی و شش قبر فرعی در سال‌های ۱۹۱۳ تا ۱۹۱۶ شواهد بسیار زیادی به دست آمد و ماهیت آیین‌هایی را که در دوران پادشاهی قدیم مصر (حدود ۳۱۹۰-۳۸۵۰) در مراسم تدفین شاهان انجام می‌گرفت، روشن ساخت. آنچه حفاران بدون استثنا در این منطقه یافتند یک الگوی تدفین توأم با قربانی انسانی - و به‌خصوص قربانی زن - بود. قربانی، همسر متوفا و در گورهای دولتمندتر، تمامی حرم، همراه با ملازمانشان بود. این گورگاه‌های نمایانگر یک گروه خانوادگی مشتمل بر ملازمان مادینه و کودکان همراه با پیکر اصلی است و همه در یک روز واحد

در گور واحد دفن شده‌اند و این واقعه نه تنها در یک گور بلکه در همه گورهای یک گورستان وسیع روی داده‌است و تنها در بخش مصری آن شامل چهار صد گور است و این کار می‌بایست طی یک دوران چند ساله انجام گرفته‌باشد. پروفیسور رایستر این پیکرهای اضافی را قربانی می‌خواند. (کمپیل، ۶۹:۱۳۸۹-۷۲) طبق نظر کمپیل تنها توجیه برای این مرگ‌های متوالی و وجود گورگاه‌های جمعی انجام آیینی است که بر اساس آن، زنان یک مرد مرده، خود را بر روی توده‌ی هیزمی که جسد شوهر را می‌سوزاند می‌افکندند یا افکنده می‌شدند. مقایسه دوران کهن مصر با هند و خاور دور شباهت‌های بیشماری را در مورد تدفین‌ها نشان می‌دهد و این شباهت‌ها می‌تواند از وجود آیینی مشترک در نقاط مختلف در بین مردمانی از نژادهای گوناگون سخن بگوید. این گونه رویدادهای موازی یک سلسله وقایع پیوسته و اتفاقی نیستند، بلکه عبارتند از مجموعه‌ای از علائم اساطیری فرهنگ‌ساز عمیقاً معنی‌دار و مرتبط با هم که می‌تواند یکی از دلایل اجرای آیین سستی در دوره‌های پیشین تاریخ زندگی بشر باشد که چنین مرگ‌های متوالی را رقم زده‌است.

۴-۲-۳- قربانی انسانی بین سکاها

هرودوت در تاریخ خود گزارشی از مراسم مربوط به مرگ پادشاه سکایی را آورده‌است که به همراه جنازه او افراد دیگری را کشته و دفن می‌کنند و حتی پس از گذشت یکسال نیز افراد دیگری را کشته در آنجا زیر خاک می‌کنند. (هرودوت، ۱۳۴۰: ۱۲۹)

۴-۳-۳- قربانی انسانی بین تاتارها

مارکوپولو در سفرنامه خود رسم قربانی کردن انسان‌ها پس از مرگ خان و یا رئیسی از قبیله چنگیز را به تصویر کشیده‌است. مطابق با این رسم تاتارها پس از مرگ خان جسد او را به کوه آلتا برای دفن می‌بردند و هنگام تشییع جنازه، سپاهیان همراه متوفی هر که سر راه می‌دیدند به عنوان قربانی می‌کشتند تا درعالم دیگر ملازم ارباب باشند و از او مراقبت کنند. آن‌ها نسبت به اسبانشان نیز همین عمل را انجام می‌دادند؛ یعنی بهترین اسب‌های خود را می‌کشتند و معتقد بودند که در عالم دیگر به درد سواری شخص متوفی خواهد خورد. می‌گویند هنگامی که جسد مرنگو را به این کوه منتقل می‌کردند، بیش از بیست هزار نفر را به این طریق قربانی نمودند. (مارکوپولو، ۱۳۵۰: ۶۸)

۵-۳-۳- قربانی انسانی در روسیه و چین

احمدبن فضلان بن راشد بن حمار (آغاز قرن چهارم هجری) در سفرنامه‌ی خود که به عربی است، از رسم قربانی خشنونت‌آمیز انسانی - مشابه با آنچه در نقاط دیگر انجام می‌شده‌است - در روسیه که خود شاهد آن بوده، سخن می‌گوید. او شرح کاملی از مراسم خاصی را که کنیزکی را پس از مرگ مولایش همراه او در قایقی سوزانده و تبدیل به خاکستر کرده و بنای یادبودی که به نام آن مرد و پادشاه روس در آن مکان ساخته‌اند، در سفرنامه خود آورده‌است. (حمار ۳۴۵: ۱۰۴-۱۰۸) این نوع قربانی با اجرای آیین ستی در شکل ناخواسته و جبری در هند شباهت دارد. در هر دو سوزانده شدن زن را همراه سوختن جسد مردی می‌بینیم که همسر یا مولای اوست. کمپبل در کتاب اسطوره‌شناسی شرق از انجام آیین قربانی نزد چینیان نیز خبر می‌دهد. او به استناد سخنان فیلسوف بزرگ چین، هوترو (۴۲۰ پ.م) - فیلسوف مبلغ عشق جهانشمول - پرده از این عمل هولناک برمی‌دارد و به نقل از این فیلسوف می‌نویسد: «در مورد امپراتوران گاهی چند صد تن و حداقل بیست یا سی تن از خادمانشان را می‌کشتند تا آن‌ها را در جهان آخرت همراهی کنند. برای فرماندهان یا وزیران اصلی گاهی بیست یا سی تن را می‌کشتند و تعداد مقتولان هرگز کمتر از چهار یا پنج تن نبود» (کمپبل، ۱۳۸۹: ۳۸۳).

۴- نتیجه

«ستی» یکی از آیین‌های مشترکی است که در طول دوران زندگی بشر به شکل‌های مختلف در میان اقوام به اجرا درآمده و مدت‌های زیادی حیات آن ادامه داشته‌است و شاید با تحقیقات بیشتر بتوان بین آن و مراسم هدیه و قربانی‌های مذهبی امروز در جوامع مختلف ارتباط‌هایی را نشان داد. اغلب ستی‌نامه‌هایی که به زبان فارسی در هند نوشته شده‌اند مربوط به دوره‌ی صفویه است اما اشاره به این آیین در متون ما در اواخر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم بوده‌است. البته وجود سنت ادبی سوختن شمع و پروانه در ادب فارسی را شاید بتوان دلیلی بر آشنایی ایرانیان با آیین ستی هندوان و وجود اشتراکات قومی نژاد هند و ایرانی و مربوط به دوران‌های پیشین و آنچه مربوط به حافظه‌ی جمعی نامیده می‌شود، دانست و نتیجه گرفت که ایرانیان پیش از قرن چهارم هم با این آیین آشنا بوده‌اند. آیین‌ها و مراسم مذهبی و اعتقادی ممکن است در طول دوران تغییراتی پیدا کنند اما در اغلب موارد کلیات آن‌ها در اذهان عمومی پایدار بوده و از بین نمی‌روند، به گونه‌ای که برخی از

آن‌ها حتی حیات خود را در متون ادبی ادامه می‌دهند و تصاویر آرمانی و مطلوبی را بر خلاف واقعیت وجودی و گاه خشن خود بر جای می‌گذارند. آنچه در متون ادبی اعم از انواع گوناگون آن از حماسی، غنایی و غیره می‌آید بازتاب اعتقادات، آیین‌ها، احساسات و عواطف، ساختار زندگی و روابط اجتماعی بین مردمی است که تصاویرشان را در میان حکایت‌ها و داستان‌های برجای‌مانده می‌توان یافت. این باورها علاوه بر اذهان، در نقاشی‌ها، مجسمه‌ها، آوازاها و به‌خصوص در ادبیات ملت‌ها ثبت شده‌اند و پرداختن به آن‌ها بخشی از گذشته‌ی ما را روشن می‌کند و چه بسا با بررسی آن‌ها و یافتن اشتراکات بتوان ریشه‌ی بسیاری از رسم و آیین‌ها را یافت و یکسانی و شباهت‌هایی را در محیط‌های مختلف جغرافیایی نشان داد که این امر با تصور آبخخور مشترک اسطوره‌ای و کهن‌الگوهای ذهنی بین اقوام مختلف قابل توجیه است. آیین «ستی» در موارد اندکی به صورت خودخواسته صورت گرفته و نشان عشق و وفاداری زن و در مواردی مرد یا هر دو بوده که در منظومه‌های عاشقانه این نوع آن ستوده شده‌است. مشابه این نوع مرگ را در شکل‌های مختلفی از مرگ خودخواسته (خودکشی) در مناطق گوناگون، در ایران باستان و در «خسرو و شیرین نظامی» و در شاهنامه در مرگ «فرود» نیز می‌بینیم. اما آنچه از اجرای این آیین در سطح گسترده و در چهره خشن و غیر انسانی آن در طول تاریخ بین اقوام مختلف می‌بینیم، چیزی است که ریشه در جهل و نادانی انسان در مورد جهان پس از مرگ و تصور زندگی مادی در آن و قایل نبودن به موجودیت مستقل زن در جوامع دارد. اسناد تاریخی مرگ‌های متوالی را در بین اقوام اروپای شمالی اسلووا، بالتیک، سرخپوستان آمریکای شمالی و اینکاها به صورت یک مراسم دسته‌جمعی و برپایی مراسم مذهبی یک یا چند تن با رضایت یا بدون رضایت نشان می‌دهد. اغلب این قربانیان زنان هستند و در مواردی قربانی کودک هم در بین آن‌ها دیده شده‌است. در مواردی از این نوع مرگ‌ها زن متوفی خود را بر روی توده‌ی آتشی که جسد را می‌سوزاند، می‌اندازد یا انداخته می‌شود. علل مشترکی که در اجرای این آیین در مورد زنان در بین اقوام گوناگون وجود داشته، قایل نبودن به شخصیت مستقل و آزاد و باورهای دینی و اصول مشترک قومی، و در میان هندوها علاوه بر این‌ها، اعتقاد به تناسخ بوده‌است. ماهیت این مرگ‌های متوالی و آیینی یا کشتارهای فردی یا وادار کردن به خودکشی در بین اقوام مختلف تقریباً یکسان بوده‌است و تنها تفاوت‌هایی در شکل اجرای آن‌ها که به صورت انداختن در آتش، به دار آویختن، زنده به گور کردن بوده، وجود داشته‌است. ریشه‌ی اسطوره‌ای این آیین در هند و روم هم قابل توجه است. بررسی دقیق این آیین‌ها و بسیاری از مضامین مورد تایید

در متون ادبی، نیازمند بازنگری و بحث است. به خصوص زمانی که یک مضمون مشترک در آثار بسیاری در یک مقطع زمانی تکرار می شود و مقبولیت پیدا می کند. حدود بیست و سه منظومه‌ی عاشقانه با پایان مشترک اجرای آیین ستی در یک دوره‌ی خاص، علاوه بر پذیرش جنبه‌های تقلیدی این آثار از هم یا همه از یک اثر، می تواند نشان از مورد احترام بودن و قبول این آیین بدون توجه به آبخور اصلی و چهره‌ی غیر انسانی و خشن آن باشد که در این آثار نماد عشق و وفاداری و الگویی برای روابط عاشقانه در جامعه نشان داده شده و حتی سرنوشت دردناک عشاق واقعی (قهرمانان ستی‌نامه «سوز و گداز» نوعی خوبشانی) را رقم زده است.



منابع

- ۱- ابن بطوطه، محمد بن عبدالله بن محمد بن ابراهیم لواتی طنجی، سفرنامه، ترجمه محمد علی موحد، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۸.
- ۲- ایونس، ورونیکا، اساطیر هند، ترجمه باجلان فرخی، تهران: انتشارات گلشن، ۱۳۷۳.
- ۳- بابا صفری، علی اصغر و غلامرضا سالمیان، سستی و بازتاب آن در ادب فارسی، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد، شماره ۱۶ بهار، صص ۴۹-۷۴، مشهد: ۱۳۸۷.
- ۴- باستانی پاریزی، محمد ابراهیم، خاتون هفت قلعه، تهران: دهخدا، ۱۳۴۴.
- ۵- بهروزی، رقیه، قوانین حموربی و حقوق زن در شرق باستان، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۳۰ بهار، صص ۴-۳۵، تهران: ۱۳۷۹.
- ۶- جعفری، یونس، پژوهش های ادبی در ادبیات فارسی هند، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۶.
- ۷- جلالی نائینی، سید محمد رضا، فرهنگ سنسکریت-فارسی، جلد دوم، تهران: نشر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۲.
- ۸- جوانی، اصغر، سنت سستی هند در دیوارنگاری کاخ چهلستون و مثنوی سوز و گداز (تجلی روابط فرهنگی ایران و هند در عصر شاه عباس دوم و اکبرشاه)، هنر و معماری: پژوهش هنر دانشگاه هنر اصفهان، بهار و تابستان سال دوم، شماره سوم، صص ۱-۱۰، اصفهان: ۱۳۹۱.
- ۹- حکمت، علی اصغر، سرزمین هند، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۲.
- ۱۰- دارا شکوه، شاهزاده محمد، اوپانیشاد، ترجمه و مقدمه سید محمد رضا جلالی نائینی و تاراچند، چاپ دوم، تهران: طهوری، ۲۵۳۶.
- ۱۱- دالا پیکولا، آنال، اسطوره های هندی، ترجمه عباس مخبر، تهران: نشر مرکز، ۱۳۸۵.
- ۱۲- دورکیم، امیل، خودکشی، ترجمه نادر سالار زاده امیری، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۸۷.
- ۱۳- راشد بن حمار، احمد بن فضلان، سفرنامه. ترجمه سید ابوالفضل طباطبایی، تهران: انتشارات شرق، ۱۳۴۵.

- ۱۴- رامهرمزی، ناخدا بزرگ شه‌ریار، **عجایب هند**، ترجمه محمد مللک زاده، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۸.
- ۱۵- شاردن فرانسوی، ژان، **سفرنامه قسمت شهر اصفهان**، ترجمه حسین عریضی، تهران: چاپخانه راه نجات، ۱۳۳۰.
- ۱۶- شاملو، ولی قلی بن داود، **قصص الخاقانی**، تصحیح سید حسن سادات ناصری، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۱.
- ۱۷- شوشتری، میرعبدالطیف خان، **تحفه العالم و ذیل تحفه**، تصحیح و مقدمه صمد موحد، تهران: طهوری، ۱۳۶۳.
- ۱۸- عابدی، سید میرحسن، **داستان‌های ستی در ادبیات فارسی**، هنر و معماری. دوره سیزدهم. مهر- آبان، شماره ۸، صص ۵۶۹-۵۷۳، تهران: ۱۳۴۶.
- ۱۹- فرزاد، عبدالحسین، **برگزیده شعر منوچهری**، تهران: آتیه، ۱۳۷۶.
- ۲۰- فریزر، جیمز، **شاخه زرین**، ترجمه بهرام فیروزمند، تهران: آگاه، ۱۳۸۷.
- ۲۲- فیش، سوزاندن زنان بیوه در هند و گونه‌های دیگر مرگ‌های متوالی، مجله گزارش، اردیبهشت، شماره ۹۹، صص ۶۶-۶۹، تهران: ۱۳۷۸.
- ۲۳- قزوینی، میر غیاث الدین علی، **مهابهارت**، ترجمه به اهتمام جلالی نایینی، محمد رضا و ن.س. شوکلا، جلد اول، چاپ دوم، تهران: طهوری، ۱۳۸۰.
- ۲۴- کاپانیست تاورنیه، جین، **ساتی در هند**، ترجمه کوروش فتاحی، مجله رشد آموزش تاریخ، دوره دهم، شماره ۳، صص ۳۰-۶۱، تهران: ۱۳۸۸.
- ۲۵- کمپیل، جوزف، **اساطیر مشرق زمین**، ترجمه علی اصغر بهرامی، چاپ دوم، تهران: جوانه رشد، ۱۳۸۹.
- ۲۶- گاردنر، جین- ف، **اسطوره‌های رومی**، ترجمه عباس مخبر، چاپ چهارم، تهران: نشر مرکز، ۱۳۸۸.
- ۲۷- لطیفی، عبدالحسین، **آداب و شعائر مربوط به مرگ در دین هندویی**، فسنامه مطالعات شبه قاره دانشگاه سیستان و بلوچستان، سال ششم، شماره نوزدهم، تابستان، صص ۸۵-۱۰۶. سیستان و بلوچستان، ۱۳۹۳.

- ۲۸- مارکوپولو، سفرنامه، ترجمه حبیب الله صحیحی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۰.
- ۲۹- مدی، ارژنگ، عشق در ادب فارسی، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۷۱.
- ۳۰- معتمدی، غلامحسین، انسان و مرگ، تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۲.
- ۳۱- معقولی، نادیا و محمود طاووسی، مرگ و آیین های مربوط به آن در ایران باستان، نامه فرهنگستان، شماره ۹، تهران: فرهنگستان، ۱۳۹۲.
- ۳۲- منتظری مقدم، حامد، هند از نگاه مسعودی در آغاز قرن چهارم هجری، نامه تاریخ پژوهان، شماره ۲، تابستان، صص ۱۶۵-۲۰۸، تهران: ۱۳۸۴.
- ۳۳- نوعی خبوشانی، محمد رضا، سوز و گداز. تصحیح و مقدمه امیر حسن عابدی، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۸.
- ۳۴- واحد دوست، مهوش، پیوند فرهنگی ایران و هند از دوره باستان تا دوره صفویه، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره بیست و دوم، شماره اول، بهار پیاپی، دانشگاه شیراز، ۱۳۸۴.
- ۳۵- وارنر، رکس، دانشنامه اساطیر جهان، ترجمه ابوالقاسم اسماعیل پور زیر نظر وارنر، تهران: نشر اسطوره، ۱۳۸۶.
- ۳۶- هرودوت، تاریخ، ترجمه هادی هدایتی، جلد چهارم، بی جا، ۱۳۴۰.